اقسام وعيد

وعيد دو قسم است: گاهي وعيد محض است و زماني ملفّق از وعيد و وعد؛ مثلاً گاهي فقط حق خداوند مطرح است و گنه‏كار بر اثر ترك واجب يا فعل حرام استحقاق كيفر مي‏يابد و خداوند نيز در اين‏گونه موارد تهديد به تعذيب كرده است و حق هيچ‏كس ديگر در آن عصيان وجود ندارد و خداوند نيز غير از وعيد پيام ديگري در خصوص اين موارد ندارد. اين‏جا «عفو الهي بكند كار خويش» و ترك عمل به وعيد نه محذور كذب را دارد، چون از سنخ اِنشاست، نه اِخبار و نه مفسده تضييع حق ديگري را در بر دارد؛ چون فرض بر اين است كه نه وعدي اين وعيد را همراهي مي‏كند و نه مفسده تضييع حقوق ديگران گاهي گذشته از حق خداوند حق مردم نيز مطرح است؛ مانند مواردي كه تبه‏كار، گذشته از تمرّد نسبت به دستور خداي سبحان، نسبت به حقوق ديگران تعدّي روا داشته است. عفو در اين‏گونه موارد و گذشت در اين بخش از مسائل حقوقي، مستلزم تفويت حقوق ديگران است كه بدون رضايت آنان چنين گذشتي بدور از عدلِ متوقّع از محكمه الهي است. البته با گذشت صاحبان حقوق يا با ترضيه آنان و جلب موافقت ذي‏حق‏ها از ناحيه خداي منّان چنين عفو و گذشتي بدون محذور است.

گاهي وعيد الهي نسبت به دشمنان همراه با وعده‏نصرت خدا نسبت به مؤمنان است. خلف چنين وعيد تلفيقي، محذور قبح و نقص را به‏همراه دارد؛ يعني اگر خداوند در جريان خاصْ مسلمانان را وعده دهد كه دشمنان شما را مخذول خواهم كرد، ولي در اِعمال خذلان مسامحه شود، عصاره آن هرچند نسبت به دشمنان به‏صورت تخلّف وعيد است، ليكن نسبت به مسلمانان به صورت تخلّف وعده خواهد بود. البته روشن است كه تخلف وعده نسبت به خداوند مانند تخلف مواعده و معاهده و پيمان مشتركْ عيب و نقص است؛ يعني همان‏طور كه خداوند از تخلف پيمان مشترك و معاهده‏اي كه بين او وبين بندگانش برقرار شده منزّه است، از تخلّفِ وعد ابتدايي و تعهّد يك‏جانبه نيز مبرّاست.

تذكّر: آنچه در اين لطيفه به آن اشاره شد، ناظر به مقام ثبوت است. اما در مقام اثبات و تعيين اِخبار و انشا وعد و وعيد، وعدِ محض و وعد مُلفّق و وعد مشترك (مواعده و معاهده)، وعد ابتدايي و مانند آن، نيازمند به بررسي متون مقدس و ادلّه نقلي است. ممكن است در كيفيّت استظهار مطالب مزبور بين صاحب‏نظران اختلاف باشد. [[1]](#footnote-1)

1. - تسنيم، جلد 5 صفحه 341 [↑](#footnote-ref-1)